

آیین‌نامه زرتشتیان راجع باحوال شخصیه

- ۱ - درخواستگاری ۲ - وکالت در نامزدی - ۳ - نامزدی یا پیمان زناشویی ۴ - در حقوق و تکالیف زناشویی (نکاح) ۵ - در قرابت (موانع نکاح) ۶ - (در مهریه) ۷ - در موارد امکان فسخ نکاح یا طلاق ۸ - در اولاد و نگاهداری و تربیت آنها ۹ - در نفقه ۱۰ - در ولایت قهری ۱۱ - در روش وصیت ۱۲ - در فرزند خواندگی و پلگنداری ۱۳ - در تقسیم ارث در صورت نبودن وصیت ۱۴ - در طریق سهم الارث طبقات .

خواستگاری

- ۱ - هر دختر یازنی که خالی از موانع زناشویی باشد میتواند خواستگاری نمود
- ۲ - رضایت طرفین در زمینه خواستگاری پیمان زناشویی نیست .

(وکالت در نامزدی یا نکاح)

- ۳ - وکالت دادن برای ازدواج در صورتی جایز است که حضور شخص متمتع باشد

نامزدی یا پیمان زناشویی

- ۴ - بعد ازخواستگاری زن یا دختر و حصول رضایت میتواند او را بنامزدی اختیار و پیمان زناشویی را اجرا نمود .

۵ - اجرای مراسم نامزدی یا زناشویی مادامیکه پسر و دختر بیست و یکسالگی نرسیده باشند باید علاوه بر رضایت طرفین رضایت والدین پسر و دختر نیز باشد و در صورتیکه یکی از والدین در حیات نباشد رضایت پدر یا مادر زنده شرط خواهد بود و چنانچه از والدین هیچیک زنده نباشند رضایت و اجازه جد و بان بودن جد اجازه جده تأیید و یک سالگی لازم است .

۶ - تشریفات نامزدی را در موقعی میتوان اجرا نمود که دختر کمتر از چهارده و پسر کمتر از شانزده سال نداشته باشد .

۷ - تشریفات نامزدی عبارتست از حلقه‌ای که از طرف پسر یا مرد بانگشت دختر یازن مینمایند و مبادله تحف و هدایا میکنند و مراتب در صورت مجلس رسمی بامضاء شهود میرسد و باید در حضور عده که لا اقل ۷ نفر مردان معتمد زرتشتی که کمتر از بیست و پنجساله نباشند بعمل آید .

۸ - پس از اجرای تشریفات مذکور در مواد قبل نامزدی قابل فسخ نخواهد بود مگر در موارد ذیل که برای هر یک از طرفین جایز است . ۱ - وقتی که یکی از طرفین

آئین نامه زرتشتیان راجع باحوال شخصیه

در موقع پیمان جنون یا اختلال مشاعر داشته و طرف دیگر از آن بی اطلاع بوده .
ب - وقتیکه جنون یا اختلال بعداً در یکی از آنها بروز کند و برطبق تصدیق اطباء تا دو سال قابل معالجه نباشد پ - وقتیکه یکی از طرفین مبتلا بمرض مسری مقاربتی باشد .
ت - وقتیکه یکی از طرفین سه سال غیبت متوالی کند و خبری از زنده بودن او نرسد
ث - وقتیکه یکی از آنها لااقل سه سال حبس محکوم شود ج - وقتی که یکی از آنها باشخص دیگری زنا کند چ - وقتیکه معلوم شود یکی از آنها قبلاً نامزد دیگری اختیار کرده باشد .

۹ - پیمان زناشوئی بمنزله ازدواج نیست که زن را بمرء حلال کند .

۱۰ - در موقع فسخ پیمان زناشوئی هر یک از نامزدها میتوانند هدایائی را که خود یا ابوین اوبطرف داده مطالبه کند و درصورت موجود نبودن هدایا مستحق اخذ قیمت آنهاست .

۱۱ - درصورت فسخ نامزدی خساراتی که از جهت اعتماد بوقوع زناشوئی وارد آمده قابل مطالبه است .

۱۲ - درموردیکه قبل از اجرای تشریفات زناشوئی یکی از نامزد ها فوت نماید از طرف نامزد زنده و اولیای نامزد زنده میتواند هدایائی که بن طرفین بعنوان نامزدی مبادله شده از یکدیگر مطالبه نمایند و درصورتیکه عین هدایا موجود نباشد مستحق اخذ قیمت هدایائی خواهند بود که عادتاً نگاهداشته میشود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر و یا بحسب متعارف مصرف شده باشد .

۱۳ - مدت مرور زمان دعاوی ناشی از فسخ نامزدی از تاریخ وقوع فسخ دو سال است .

در حقوق و تکالیف زناشوئی (نکاح)

۱۴ - پیش از آنکه دختر بشانزده سالگی و پسر بهجده سالگی برسد اجرای مراسم ازدواج جایز نیست .

۱۵ - اجرای مراسم ازدواج مطابق مقررات مذهبی زرتشتیان بوسیله دستور یا موید مجازو باحضور لااقل ۷ نفر از مردان معتمد زرتشتی که کمتر از بیست و پنج سال نداشته باشند انجام مییابد و بلشنیدن اقرار رضایت از طرفین آئین ازدواج تکمیل میشود .

۱۶ - برای هر مرد زرتشتی بیش از یک زن و برای هر زن زرتشتی بیش از یک شوهر جایز نیست مگر درصورتیکه جفت او را مرگ یا علتی دیگر از علل مصرحه دراین آئین نامه از او جدا نموده و قانوناً او را مجاز کرده باشد .

۱۷ - همنیکه تشریفات ازدواج انجام شود روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زن و شوهر درمقابل همدیگر برقرار گردیده است .

۱۸ - ریاست خانواده مادام الحیات با شوهر و درموقع فوت وی با مهجور و ممنوع شدنش با زن است .

در قرابت (موانع نکاح)

۱۹ - زناشویی میان خویشاوندان نسبی یا سببی در مورد ذیل ممنوع است :

۱ - نسبت به زن : (۱) پدر وجد هر قدر بالا تر برود - شوهر مادر - عمو - خانو - برادر - پسر برادر - پسرخواهر - پسر پسر دختر - شوهر دختر - شوهر دختر پسر - پدر شوهر دختر - پدرزن - پسر پدر شوهر - پدر بزرگ شوهر هر قدر بالا برود - پدر مادر شوهر - پدر بزرگ مادر شوهر هر قدر بالا برود - عموی شوهر دختر - خالوی شوهر - جد و اجداد مادری - نوه های برادر و خواهر و دختر و پسر نسل بعد نسل - (ب) پدرخوانده - برادرخوانده - برادر خوانده عمو و خالو - پسرخوانده برادر - پسر خوانده خواهر - پسرخوانده دختر - شوهر دختر خوانده پسر - برادرخوانده مادر - برادر خوانده عمه یا خاله نسبت به پدرخوانده و برادر خوانده و خواهرخوانده و دخترخوانده و پسر خوانده نسلاً بعد نسل. (پ) کسانیکه با زن یا پدر و مادر و خواهر و برادر و اولاد و اولاد زاده های او و اولاد پدری او همشیره بوده اند و یا پدران او و پسران هر یک از این طبقات. (۲) نسبت به مرد : (۱) مادر - زن پدر - خاله - عمه - خواهر - دختر برادر - دختر خواهر - دختر دختر پسر - دختر دختر - مادر پدر - مادر دختر - زن پسر و دختر - مادر شوهر دختر - مادر زن و مادر او هر قدر بالا برود - خواهر پدرزن - خواهر مادرزن - زن عمو و زن خانو - زن پسر برادر - زن پسرخواهر -

نسبت به زن پدر و خواهر و دختر برادر و دخترخواهر و دختر و پسر و زن پسر و زن پسر دختر نسلاً بعد نسل :

(ب) مادرخوانده - خواهرخوانده مادر - خواهر خوانده خود - دخترخوانده - دخترخوانده خواهر یا برادر - دخترخوانده یا برادر - دخترخوانده پسر یا دختر - دختر خوانده یا خواهر خوانده اجداد - زن پسر خوانده نسلاً بعد نسل.

نسبت بمادرخوانده و خواهرخوانده و دخترخوانده و دخترخوانده خواهر یا برادر و دختر خوانده زن پسر - (پ) دختر یا زنی که مرد یا پدر و مادر خواهر و برادر و اولاد و اولاد زاده های او و اولاد پدری او همشیره بوده اند و همچنین با مادر زن یا دختران هر یک از این طبقات.

در مهریه

۲۰ - در آئین زرتشتی طلاق اختیاری نیست و در اجرای مراسم زناشویی قید

مهریه نمیشود.

در موارد امکان فسخ نکاح یا طلاق

۲۱ - هرگاه در موقع اجرای مراسم ازدواج زن یا شوهر دیوانه بوده و یا اختلال مشاعر داشته در صورتیکه طرف او از جنون و اختلال او آگاه نبوده است بر طبق تقاضای

آئین نامه زرتشتیان راجع باحوال شخصیه

طرف دیگر آن ازدواج قابل فسخ است ولی اگر بعد از زناشویی و مقاربت جنون یا اختلال پیدا شده موجب فسخ نیست.

۲۲ - هر گاه بعد از مزاجت زن دریابد که شوهر عنین بوده (مردی نداشته) و با وجود چاره جوئی تا سه سال درمان نشود و طبیب تصدیق کند که چاره پذیر نیست زن میتواند تقاضای طلاق نماید.

۲۳ - در صورتیکه شوهری در مدت سه سال ازدادن مخارج زندگانی (نفقه) زن امتناع نماید بر حسب درخواست زن میتوان طلاق داد.

۲۴ - چنانچه به ثبوت برسد که زن مرتکب زنا شده شوهر میتواند او را طلاق دهد و همچنین اگر ثابت شود که شوهری با زن دیگر زنا کرده زن او میتواند درخواست طلاق کند.

۲۵ - هر گاه مدلل شود که شوهری بازن خود طوری ستم و بی رحمی نموده که زن در دست او مضرب و زندگانی زن در خطر باشد و نصیحت و مهلت بنظر حاکم مؤثر نشود زن میتواند تقاضای طلاق نماید و یا جدائی اختیار کند.

۲۶ - در موردیکه زن بموجب ماده قبل جدائی اختیار کرده و در منزل علیحدہ اقامت نماید شوهر مکلف خواهد بود در حدود وسع و در خور شأن و احتیاج مسلم زن مخارج او را در منزل جداگانه تأدیه نماید.

۲۷ - در موقعیکه زن بشرح ماده ۲۵ بخواهد تقاضای طلاق نماید تا تکلیف او معین نشده است با تصدیق حاکم میتواند در ظرف مدت حکامه منزل علیحدہ اختیار نماید و مخارج زندگانی خود را بشرح ماده ۲۶ تقاضا و اخذ کند.

۲۸ - در مورد جدائی موقت زن بشرح مواد (۲۷/۲۶/۲۵) باید مسکن او برضایت طرفین اختیار شود و در صورت عدم توافق تعیین آن با حاکم خواهد بود.

۲۹ - اگر زنی نافرمان بوده و از رفتار او بیم خطر جانی برای شوهر موجود باشد که نتوان با اندرز و جدائی موقتی علل مذکور را رفع نمود بر حسب خواهش شوهر طلاق داده میشود.

۳۰ - اگر زنی شوهر یا نامزد دیگر داشته که حقیقت را پنهان و شوهر دیگر اختیار نموده باشد یا شوهری زن یا نامزد دیگر داشته و حقیقت را پوشیده و زن دیگر اختیار کند ازدواج بعدی باطل محسوب است.

۳۱ - هر گاه شوهری پنجسال متوالی غیبت نموده و خبری از زنده بودن او نرسیده بمنزله مرده تلقی میشود و زن او میتواند طلاق بخواهد.

۳۲ - در موقعیکه زن یا شوهر ترك دین زرتشتی کنند طلاق جایز است.

۳۳ - اگر غایب مفقود الاثر مذکوره در ماده (۳۱) پس از وقوع طلاق بشرح ماده مذکور مراجعت نماید که زن مطلقه او با دیگری وصلت نکرده باشد با پرداختن نفقه مدت گذشته بزین حق رجوع دارد.

آئین نامه زرتشتیان راجع باحوال شخصیه

۳۴ - هرگاه در موقع تقاضای طلاق زن شخصاً دارای سرمایه زندگانی شخصی بآن اندازه نباشد که بتواند زندگانی خود را بر گذار کند و یا مخارج محاکمه را بپردازد محکمه پس از درخواست زن با ملاحظه اوضاع زندگانی طرفین میتواند حکم کند که شوهر تاموقع ختم محاکمه مبلغی عادلانه در حدود توانائی خود متناسب با مخارج معموله زندگانی زن بپردازد

۳۵ - در موقع صدور حکم طلاق اگر موجب طلاق خلاف عفت یا تقصیری از طرف زن نباشد محکمه با ملاحظه دارائی زن و شوهر امر خواهد کرد که شوهر برای مخارج زن تا مدتی که زن شوهر دیگر اختیار ننموده است مبلغی نقد یا با قسط بپردازد

۳۶ - اجرای مراسم طلاق باید در موقعی وقوع یابد که زن در عادت زنانگی نباشد . -

۳۷ - در موقع طلاق هرگونه هدایایی که از طرفین تا آن موقع بطرف دیگر اهدا شده باشد متعلق بخود آن طرفی است که باو اهدا شده است .

۳۸ - بعد از صدور حکم طلاق از محکمه تشریفات طلاق مطابق رسوم مذهبی زرتشتیان و بتوسط مراجع معین آنها بعمل میآید . -

دراولاد و نگاهداری و تربیت آنها

۳۹ - نگاهداری فرزند از حیث معاش و تربیت برعهده ابویین است و در صورت فوت یکی از ابویین برعهده آن دیگری که زنده است - الا در موردیکه طلاق واقع شده باشد در اینصورت باختیار و عهده پدر خواهد بود .

۴۰ - در موقع محاکمه بین زن و شوهر راجع بطلاق نسبت به نگاهداری فرزندی که کمتر از شانزده سال و یا در رحم باشد محکمه ترتیبی عادلانه مقرر خواهد کرد .

۴۱ - بهنگام فوت پدر در صورتیکه صغیری داشته باشد مادامیکه مادر زنده است و شوهر دیگر اختیار ننموده قیومیت برعهده اوست و الا جد پدری و اگر از اجداد پدری کسی نباشد قیم را مقام صلاحیت دار عمومی معین خواهد کرد .

در نطقه

۴۲ - در مورد فوت پسر در صورتیکه از خود بقدر کفایت دارائی باقی نگذارد باشد اگر پدر او زنده باشد نگاهداری فرزند پسر متوفی تاموقع رشد فرزند برعهده پدر پسر متوفی میباشد و همچنین نسبت بزین پسر متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است هرگاه پدر فوت نموده و سهم الارث پسر متوفی بقدری نبوده که اکتفا بمعاش و تربیت پسر فرزند متوفی و نگاهداری زن او کند با رعایت شرح فوق برعهده مادر و چنانچه مادر بی بضاعت یا فوت نموده باشد برعهده جد پدری است و در صورت فوت یا ناداری جد پدری برعهده اولاد جد پدری است با رعایت تقدم ذکور براناث و ارشدیت تمکن و همچنین است نسبت به نگاهداری زن پسر متوفی .

در ولایت قهری

۴۳ - طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و در صورت فوت پدر یا مهجور و ممنوع شدن او تحت ولایت قهری مادر در صورتیکه بعد از فوت پدر طفل شوهری دیگر ننموده و یا مهجور و ممنوع نشده باشد و در صورت فوت هر دو و یا فوت پدر و ازدواج بعدی مادر تحت ولایت قهری جد پدری خود میباشد و همچنین است نسبت بفرزند غیر رشید یا دیوانه در صورتیکه عدم رشد یا دیوانگی او پیوسته بصغر سن باشد.

۴۴ - هر یک از پدر و مادر و پدر بزرگ میتوانند در موقع ولایت خود برای صغیری که تحت ولایت اوست وصی معین کند تا در صورتیکه پس از فوت او ولی قهری موجود نباشد قیم آن صغیر شود.

در روش وصیت

۴۵ - هر زرتشتی میتواند بموجب وصیت اموال خود را میان ورثه و یا اشخاص دیگر تقسیم کند و یا بهر مصرف خیریه دیگری که بخواهد برای بعد از مرگ خود تعیین نماید تخلف از وصیت جایز نیست.

۴۶ - در صورتیکه موصی بعد از وصیت اولاد دیگری پیدا کند یا پس از فوت او حملی ظاهر شود و مسلم نباشد که موصی قصد محروم کردن اولاد بعدی یا حمل را از ارث داشته بهر یک از آنها بقدر سهمی که با فرض نبودن وصیت از ما ترك بهره ور میشد سهم میگردد.

در فرزند خواندگی و پلنگداری

۴۷ - تعیین فرزند خوانده که بمنزله فرزند حقیقی است با رعایت و مقررات زیر است.

۱ - در موردیکه زن و شوهر بی اولاد با موافقت یکدیگر از زرتشتیان کسی را بسمت فرزند خود برگزیده باشند.

۲ - هر کس فرزند خوانده اختیار کند آن فرزند خوانده وارث شخص اوست و اگر بعد ازدواج کند و فرزندی از او بوجود آید فرزند خوانده نیز در ردیف یکی از آن فرزندان بشمار و در حقوق و مقررات مانند یک فرزند حقیقی محسوب است.

۴۸ - در قسمت فقره دو از ماده ۴۷ در موقعیکه زن بیوه یا شوهر بیوه کسی را بفرزندی اختیار نماید آن فرزند خوانده فقط وارث همان زن یا شوهر خواهد بود که او را بفرزندی خوانده مگر در موردیکه وارث زن یا شوهر که او را بفرزندی نخوانده نیز موافقت نماید که همان شخص معین فرزند خوانده زن و شوهر هر دو بشمار آید.

۴۹ - در صورتیکه مردی بی اولاد فوت نماید و فرزند خوانده هم نداشته و وصیتی نکرده باشد ورثه میتوانند در صبح روز چهارم فوت با حضور موبد و حضار پسر یا مردی

آئین زرتشتیان راجع باحوال شخصیه

زرتشتی را بسمت پلگذاری شخص متوفی معین کنند در اینصورت پلگزار سمت فرزندحقیقی خواهد داشت .

۵۰ - در تعیین پلگزار بستگان مرد متوفی مقدم اند و با نبودن بستگان مرد از بستگان زن و چنانچه متوفی زن اختیار نکرده باشد و یا زن او بستگان ندارد از میان سایر زرتشتیان کسی را انتخاب میکنند .

تقسیم ارث در صورت بودن وصیت

۵۱ - از باز مانده از متوفی قسمتهای ذیل موضوع میشود .

(۱) مخارج کفن و دفن متوفی (۲) مبلغی که برای اداء رسوم معموله مذهبی بجهت شخص متوفی لازم است و یا برای زن و فرزندی که پس از اوفوت کرده و برعهده متوفی فعلی است (۳) قروض مسلم متوفی (۴) مبلغی که برای امور خیریه و یا تقسیمات خصوصی اختصاصی داده باشد (بقیه بعنوان دارائی خالص او محسوب و بتصرف ورثه در می آید) .

۵۲ - هنگامیکه کسی بمیرد و از او پدر و مادر بیوه و فرزندان باز مانده و شخص متوفی وصیت نکرده باشد دارائی باز مانده از او طوری تقسیم خواهد شد که نخست از کل دارائی خالص او با رعایت ماده ۵۱ یک ششم بهره زن مجزی و نصیب او و نسبت ببقیه هر یک از پدر و مادر در صورتیکه هر دو زنده باشند بهر یک یک دهم والا یک ششم سهم آنکه زنده است داده میشود و هر پسر در مقابل سهم هر دختر بهره مند میگردد و اگر در میان اولاد متوفی صغیر باشد بهر یک از صفار در حدود متعارف و بحدود اوضاع و احوال خانوادگی بعنوان حق التربیه و نگاهداری مبلغی اضافه داده میشود .

۵۳ - در موقعیکه زنی زرتشتی بلاوصیت بمیرد و از او پدر و مادر و شوهر و فرزندان باز مانده باشند دارائی او باین نحو تقسیم خواهد شد بهر یک از پدر و مادر بکدهم و اگر یکی زنده باشد یک هشتم از دارائی خالص داده میشود و نسبت به بقیه سهم شوهر و سهم هر پسر و دختر مساوی خواهد بود .

۵۴ - در موردیکه شوهری مرده و زن بعد از او بمیرد تمام دارائی باقیمانده از زن بین پدر و مادر و پسران و دختران بازمانده از او بشرح ماده قبل تقسیم خواهد شد
۵۵ - هنگامیکه در اثر حوادث زن و شوهری باهم بمیرند بترتیب تقسیم ارث بین اولاد آنها باین نحو خواهد بود که نسبت بارتیه از پدر هر پسر معادل دو سهم هر دختر بهره خواهد برد و نسبت بارتیه از مادر مساوی خواهند بود و نسبت به پدرزن و مادرزن و شوهر با رعایت مواد (۵۴/۵۳/۵۲) عمل خواهد شد .

۵۶ - اگر فرزندی قبل از پدر و مادر فوت شده باشد بعد از فوت پدر و مادر در موقع تقسیم ارث در صورتی که از آن فرزند متوفی زن و فرزند باقیمانده باشد سهم فرزندی

آیین زرتشتیان راجع باحوال شخصیه

او به بیوه و فرزند یا فرزندان او تعلق خواهد گرفت و در صورت نداشتن فرزند بیوه او مطابق ماده (۵۷) ارث میبرد.

۵۷ - در موقع مرگ زن یا شوهر که بیوه از او باقیمانده باشد بدون آنکه اولادی از خود او مانده باشد نصف از دارائی بلاوصیت نصیب بیوه است که باقیمانده و نصف دیگر بهره پدر و مادر شخص متوفی خواهد برد در صورتیکه پدر و مادر شخص متوفی هیچیک در حیات نباشند خویشان پدری شخص متوفی بر تریبی که در ماده (۶۵) درجه تقدم آنها تعیین شده است ارث میبرند.

۵۸ - اگر در موقع فوت شوهری زن او آستن باشد تقسیم ارث موکول ببعد از وضع حمل خواهد بود و چنانچه بخواهند ترکه را تقسیم کنند باید احتیاطاً برای حمل بهره که مساوی حصه دو پسر باشد کنار گذارند و حصه هر یک از وراثت مراعات تاحال حمل معلوم شود.

۵۹ - هرگاه زن یا شوهر یا هر دو از ازدواج دیگری اولادی داشته باشند اولاد هر یک از آنها از نامادری و ناپدری خود ارث نمیبرد.

۶۰ - کسیکه بمناسبت فرزند خواندگی حق ارث بردن از پدر و مادری که او را فرزند خوانده اند پیدا کرده است این حق مانع از ارث بردن او از والدین و خویشاوندان حقیقی خود نخواهد بود.

۶۱ - وقتیکه وارث میت منحصراً بچند برادر و خواهر باشد چنانچه میت زن بوده سهم الارث هر یک از برادرزن و خواهرزن مساوی است و هرگاه مرد بوده هر یک از برادران معادل دو برابر هرخواهر بهره‌ور خواهد شد.

۶۲ - چنانچه فرزند خوانده قبل از فوت پدر خوانده یا مادر خوانده و یا پدر و مادر حقیقی او بمیرد که از او زن و فرزندی باقی نباشد نصف از دارائی او متعلق پدیر و مادر حقیقی و نصف به پدر و مادر خوانده و یا هر یک از آنها که سمت فرزند خواندگی او را داشته است تعلق خواهد گرفت و اگر زنی از او باقی باشد نصف از کل دارائی او نصیب زن و نصف دیگر دو قسمت شده یک ربع سهم پدر و مادر حقیقی یا وارث آنها و ربع دیگر سهم کسی که فرزند خوانده اوست خواهد شد.

۶۳ - در صورتیکه فرزند خوانده ای بعد از فوت پدر و مادر خوانده یا یکی از آنها بمیرد و از او زن و فرزندی باقی نباشد دارائی او بین پدر و مادر حقیقی یا وارث آنها تقسیم خواهد شد.

۶۴ - اگر در میان وراثت غایب مقفود الاثری باشد سهم او کنار گذارده میشود تاحال او معلوم گردد.

آئین زرتشتیان راجع باحوال شخصیه

سهم الارث طبقات

۶۵ - در طبقات وراثت طبقه اول مقدم بر طبقه دوم و دوم مقدم بر سوم است و بهمین نحو طبقات بعدی بشرح ذیل.

طبقه اول

زن یا شوهر - اولاد و پدر و مادر و اولاد آنان در موردیکه مطابق آئین نامه قائم مقام اولاد متوفی واقع میشوند.

طبقه دوم

برادر و خواهر متوفی و اولاد آنها هر قدر پائین یروند.

طبقه سوم

جد و جده.

طبقه چهارم

اعمام و عمات و خالوها و خاله ها و اولاد آنها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی